



سید احمد کاظمی

تحلیلگر مسائل بین الملل

هم‌زمان با اشتغال کشور به مباحث مهمی مانند مذاکرات هسته‌ای، نسل‌کشی غزه و مسائل محور مقاومت در لبنان، عراق و یمن؛ و چالش‌های داخلی ناشی از ناترازی‌ها، دور جدیدی از تحرکات برخی عناصر و محافل برای ایجاد اشتباه محاسباتی در کشور در خصوص کریدور جعلی زنگرور آغاز شده که همسو با فتنه جبهه صهیونی ولندنی برای پیشبرد ایده تاسیس باصطلاح جهان ترک از طریق دالان تورانی ناتو با سوءاستفاده از فضای ملتهب منطقه‌ای و جنگ اوکراین است. نکته غامض و جالب این تحرکات همزمانی آن با اصرار رجب طیب اردوغان بر همراهی تهران با کریدور جعلی زنگرور است. مهم‌ترین دست‌ورکار بانترکیسم در حال حاضر تلاش برای تغییر گفتمان رسمی واصلی کشور در خصوص کریدور جعلی زنگرور است. برخی اشخاص و محافلی که به واسطه حضور در تعدادی از نهاد‌های سیاسی و امنیتی، عامل سردرگمی و محاسبه‌اشتباه کشور در قبال اجرای پروژه مشترک صهیونی، تکفیری و ترکیه‌ای در جریان جنگ دوم قریباغ (۲۰۲۰) و متعاقب آن استقرار رژیم صهیونیستی و جولان بی سابقه صهیونیسم در جوار مرزهای ایران در پوشش آزادی خاک اسلام بودند، اکنون نیز با پزرویسی، مخالفت کشور با کریدور جعلی زنگرور که در چارچوب خطوط قرمز مشخص شده از سوی مقام معظم رهبری در مخالفت با تغییرات ژئوپلیتیکی است، اشتباه محاسباتی می خوانند. پیوند مثلت شوم بانترکیسم، الیگارشی مالی مرتبط با باکو و آنکارا، و عناصر نفوذی وابسته به محور لندنی – صهیونی به دنبال تغییر گفتمان رسمی کشور در خصوص کریدور جعلی زنگرور هستند، چرا که باکوپس از شرط اعدام مهاجر به سفارت، در موضعی زیاده‌خواهانه، مهم‌ترین شرط خود برای عادی سازی روابط را، عقب‌نشینی ایران از کریدور جعلی زنگرور عنوان کرده است.

کریدور جعلی زنگرور به عنوان یک پروژه آنگلوساکسونی به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی و مرزی در منطقه قفقاز است موضوعی که مقام معظم رهبری آن را به عنوان خط قرمز مشخص کردند. اما عناصر بانترکیسم تلاش می‌کنند اینگونه القا نمایند که خط قرمز تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری ربطی به کریدور جعلی زنگرور ندارد؟! تکنیک عناصر پان ترکیسم برای عادی سازی کریدور جعلی زنگرور، سانسور تبعات اساسی ضدایرانی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال این کریدور، و ارتباط این طرح با کلان پروژه تشیع زدایی از جمهوری آذربایجان و بازنمایی این پروژه به عنوان یک پروژه ترانزیتی طبیعی است که قرار است با اهداف عادی از طریق جنوب ارمنستان که الهام علی اف آن را آذربایجان غ رب می‌نامد، اجرا شود. پروژه کریدور جعلی زنگرور با دالان تورانی ناتو بخشی از فتنه دوپست ساله لندن برای تاسیس جدید ترکی است که همه دولت‌مدران ترکیه طی یک سده اخیر از آتاترک، اوزال، اجویت واردوغان بر آن تاکید کردند.

هم روسیه و هم چین به دلایل متعدد مخالف دالان تورانی ناتو هستند اما بانترکیسم برای تحمیق سیستم تصمیم‌گیری، ادعا دارد که این کشورها همراه این کریدور جعلی هستند. با توجه به نوع نگرش به چین و روسیه در ایران، جبهه پان ترکیسم امیدوار است ادعای همراهی چین و روسیه، باعث چرخش کشور شود. مسکو به دلیل محدودیت‌های ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ اوکراین، و برای برآی مردم‌سازی در مقابل تسلط ترکیه و ناتو بر کاتال‌های داردائل و بسفر که موجب تشدید خفگی ژئوپلیتیکی روسیه در دریای سیاه شده است، به دنبال ایجاد یک کریدور انحصاری روسی در جنوب ارمنستان هست تا بزم کاخ کرملین، ضمن مقابله با دالان تورانی ناتو، مزیت و ابزار جدید ژئوپلیتیکی برای خود ایجاد کند؛ فارغ از اینکه، این تصمیم روسیه بنوبه خود اشتباه است اما لابی پان‌ترکیسم تلاش می‌کند این طرح جایگزین روسیه (کریدور روسی) را به عنوان تأیید مسکو بر کریدور جعلی زنگرور و نبود تهدیدی با عنوان دالان تورانی ناتو بازنمایی کند تا افکار عمومی را از اصل این فتنه که دالان تورانی ناتو است، منحرف کند.

ضمن اینکه روسها هم از موضع ایران در خصوص هر کردیدوری که منجر به تغییرات ژئوپلیتیکی شود، مطلع شده‌اند. مهم‌ترین نگرانی چینی‌ها از کریدور جعلی زنگرور، ایجاد یک «دالان قومی» از ترکیه به ایالت سین کیانگ با اتصال جغرافیایی به اصطلاح جهان ترک است که می‌تواند موجب تحریک جدایی طلبی اوغوزهای مورد حمایت آنکارا در قالب طرح‌های دیرینه ناتو گردد؛ به همین دلیل یک‌دن در مواضع اعلامی و اعمالی خود با کریدور جعلی زنگرور همراهی نکرده است. یکن معتقد است در صورت توافق جمهوری آذربایجان و ارمنستان این مسیر نیز می‌تواند به عنوان یکی از مسیرهای کریدور میانی استفاده شود.

بدیهی است توافق دو کشور و حفظ حاکمیت سرزمینی ارمنستان و گشایش خطوط مواصلاتی عادی، به معنای شکست کریدور جعلی زنگرور است. ترکیه به عنوان عضو ناتو نمی‌تواند مقابل طرح ۶۰۰ میلیارد دلاری دروازه جهانی آمریکا و جی – هفت برای مهار چین و مقابله با ابتکار ترانزیتی یک کمربند یک جاده چین باشد؛ به همین دلیل یکن با تاکید بر تنوع اصل مسیرهای ترانزیتی، به ویژه تمرکز بر مسیرهای دریایی، نگاه ایجابی به اصرار ترکیه به کریدور جعلی زنگرور ندارد. بلکه بر تقویت خط ریلی باکو، و نقل‌یست و توسعه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ترانزیتی گرجستان تمایل دارد. ایده باگشایی خط آهن جلفا، نخجوان و ایروان بدون اتصال جاده‌ای و ریلی جمهوری آذربایجان به نخجوان از مسیر کریدور ایرانی ارس، به معنای ایجاد وابستگی کشور به جمهوری آذربایجان، و فریب کشور برای همراهی با کریدور جعلی زنگرور است.

باگذر زمان ترامپ

افول می‌کند



آمریکا با آرمان‌گرایی ضد جهانی مواجه است

هرچه زمان بگذرد ترامپ بیشتر افول خواهد کرد

تناسب قدرت اقتصادی و نظامی چین از آمریکا بهتر است

آرمان ملی – احسان انصاری: نمایش قدرت چین با حضور رهبران کشورهای روسیه، هند، ایران، کره شمالی و... ترامپ را نگران کرده به شکلی که وی در پیامی عنوان کرد: «هند و روسیه را به چین تاریک باخته‌ایم.» به نظر می‌رسد بر خلاف آنچه پوتین، شی و کیم جونگ اون در صف اول رژه قرار گرفته بودند اما آنچه اهمیت داشت دیدار دوستانه مودی، پوتین و شی بود که نشان دهنده اتحاد استراتژیک چین، روسیه و هند بود. اتفاقی که نگرانی آمریکا را تشدید کرده است. ترامپ تلاش کرده جهان چند قطبی را دوباره به جهان تک قطبی به رهبری آمریکا تبدیل کند. اما حرکت چین به سوی جهان چند قطبی تضعیف نفوذ آمریکا و تعارض با منافع ملی آن است. همکاری روسیه، چین و هند بی‌اعتنایی به تهدیدات تعرفه‌ای ترامپ و

◀ **نمایش قدرت چین در روزهای اخیر و همگرایی کشورهایمانند چین، روسیه و هند چه تغییری در معادلات بین‌المللی ایجاد خواهد کرد؟**

کشورهایی مانند چین هند وایران که دارای سابقه تمدنی هستند تلاش می‌کنند در تمدن آینده جهانی دارای جایگاه باشند. امروز صحبت از چند قطبی شدن جهان می‌شود در حالی که برخی به چند تمدنی معتقد هستند. سوال این است که آیا امروز کشوری مانند چین به سمت تمدن و تمدن‌سازی در حال حرکت است؟ من فکر می‌کنم این اتفاق در حال رخ دادن است. با این وجود جدال چین و آمریکا ممکن است معادلات را تغییر بدهد. ما با فروپاشی ساختارهای جهانی نزدیک شده‌ایم. اگر آمریکا شرایطی را به وجود بیاورد که چین نیز دیگر نتواند به راحتی به آمریکا صادرات داشته باشد، چین دچار بحران خواهد شد. این وضعیت تنها درباره چین نیست و کشورهایی مانند ایران نیز که به چین نفت صادر می‌کند دچار مشکل خواهند شد. امروز با تفکری در جهان مواجه هستیم که معتقد است جهان امروز در حال فروپاشی است و به همین دلیل باید به دنبال ایجاد جهان جدیدی باشیم. در این زمینه نیز دو رهیافت در پیش گرفته است. نخست رهیافت غایت‌گرایی است که مبتنی بر بنیادگرایی است و دنبال این است که از این طریق به اهداف خود دست پیدا کند. رهیافت دوم الحادی و سکولار است که معتقد است دانش‌های بشری باید مشخص کند که چه تحولاتی باید در آینده رخ بدهد. نکته دیگری که امروز در آمریکا مشهود است این است که اقتصاد آمریکا از قدرت نظامی این کشور ضعیف‌تر شده و در واقع اقتصاد آمریکائی‌تواند از قدرت نظامی این کشور پشتیبانی کند. اما چین اینطور نیست و قدرت اقتصادی این کشور از قدرت نظامی آن بیشتر شده است. دلیل اصلی افتادن آمریکا و چین در شرایط کنونی در تقابل با آن قرار گرفته‌اند همین موضوع است. به همین دلیل ترامپ به دنبال این است که قدرت اقتصادی از دست رفته آمریکا را دوباره برگرداند تا بتواند از قدرت نظامی این کشور حمایت کند.

◀ **چرا ترامپ از این نمایش قدرت نگران است و در پیامی که به همین مناسبت منتشر کرد عنوان کرد: روسیه و هند را به چین تاریک باخته‌ایم؟**

ترامپ چه در داخل و چه بیرون از آمریکا تنها به دنبال به دست آوردن زمان است. در واقع هرچه ترامپ بیشتر در وضعیت کنونی دست و پا بزند بیشتر در باتلاقی که خود ایجاد کرده غرق خواهد شد. به همین دلیل هر کشوری را که تهدید می‌کند در مقابل با تهدید کشورهای دیگر مواجه می‌شود. آمریکا که دارای قدرت نرم در جهان بود در شرایط کنونی این قدرت را از دست داده است. از سوی دیگر نمی‌تواند اقتصاد خود را بازسازی کند. مدتی قبل بود که نخست وزیر مالزی عنوان کرد قبل از اینکه تهدیدات آمریکا به ما برسد ما تلاش خواهیم کرد خود را به روسیه و چین نزدیک تر کنیم. در شرایط کنونی چین در زمینه تکنولوژی و روسیه از نظر نظامی‌گری در عرصه جهانی مطرح هستند. کشورهای جهان نیز دیر یا زود در مقابل ترامپ خواهند ایستاد. در واقع زمان به سود آمریکا در حال سپری شدن نیست. هرچه زمان بگذرد، ترامپ بیشتر افول می‌کند و بنیادگرایی آمریکا در نهایت شکست خواهد خورد. امروز



نشانه‌ای از شکل‌گیری نظمی نوین علیه واشنگتن است. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روسیه پیشنهاد داد که یک سه ضلعی شامل کشورهای چین، روسیه و هند در مقابل آمریکا شکل بگیرد که یک طرح هوشمندانه بود و اگر رخ می‌داد از جهات بسیار به ضرر آمریکا تمام می‌شد. در نهایت هند این طرح را دنبال نکرد اما بین روسیه و چین یک قرارداد استراتژیک بسته شد که اخیرا کره شمالی نیز به این قرارداد پیوسته است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین معادلات بین‌المللی پس از نمایش قدرت شرق یا محوریت چین در مقابل آمریکا با دکتر ابراهیم فیاض جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

◀ **اقتصاد آمریکا از قدرت نظامی این کشور ضعیف‌تر شده و در واقع اقتصاد آمریکا نمی‌تواند از قدرت نظامی این کشور پشتیبانی کند، اما چین اینطور نیست و قدرت اقتصادی این کشور از قدرت نظامی آن بیشتر شده است**

آمریکا با آرمان‌گرایی ضد جهانی مواجه است. آمریکا از نظر اقتصادی در وضعیتی نیست که دنبال جنگ باشد. در واقع این کشور از اقتصادی برخوردار نیست که بتواند از قدرت نظامی این کشور حمایت کند. چالش‌های درونی جامعه آمریکا مانند تورم کشش این را ندارد که این کشور با کشورهای دیگر وارد جنگ شود. رکود ممکن است به جنگ منجر شود، اما در زمانی که تورم وجود دارد چنین اتفاقی بعید است. حتی برخی از رکودهایی که در آمریکا به وجود آمده باعث جنگ شده است. چین نیز این وضعیت را درک کرده و به دنبال جنگ و رویارویی مستقیم با آمریکا نیست. همه کشورها در حال به دست آوردن زمان هستند. من معتقدم یک موج جدیدی از دموکراسی جهانی در حال شکل‌گیری است. این دموکراسی نیز مشارکتی است و نه حزبی. در واقع یک جریان مردمی و مردم سالاری در جهان براساس عدالت عرفی و نه عدالت سوسیالیستی در حال شکل‌گیری است. یک نوع بینا ذهنیت یا تفاهم جهانی در راستای این دموکراسی در حال شکل‌گیری است. محوریت این تغییرات نیز براساس شعور عمومی است.

◀ **واکنش آمریکا به ضلع جدید ضد امپریالیستی که با حضور کشورهایمانند چین، روسیه، هند، ایران و کره شمالی از شرق شکل گرفته چیست؟ آیا آمریکا به راحتی اجازه می‌دهد شرق در معادلات جهانی نقش تعیین‌کننده داشته باشد؟**

واقعیت این است که چین امروز نسبت به چین در دوره اول ترامپ تغییرات زیادی کرده است. به هر حال در چهار سال دولت بایدن چین تغییری‌کنی کرده و از نظر تکنولوژی و پیشرفت وضعیت بهتری نسبت به گذشته پیدا کرده

◀ **اتفاقی که ممکن است رخ بدهد این است که عرفان غایت‌گرایانه ترامپ در نهایت شکل ایدئولوژی به خود گرفته و به فاشیسم منجر شود. در واقع دیگر در آمریکا سوسیالیست‌ها و چپ‌ها به حاشیه رانده می‌شوند**

اتفاق می‌تواند رخ بدهد اما فرهنگ نرم است. به همین دلیل یکی از آسیب‌هایی که امروز در جامعه ایران وجود دارد فرهنگ زدگی است. فرهنگ باید در قالب جامعه و خود داشته باشد و اگر به تنهایی مورد توجه قرار بگیرد دچار سیالیبت و آموزش‌های اصلاحی نمی‌تواند شدن جامعه می‌شود. اتفاقا جنگ فرهنگ را از یک ساختار غیرمتعین خارج و آن را به یک ساختار متعین تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی غلاتیت در جامعه اوج می‌گیرد و هنگامی که با دانش همراه می‌شود به تکنولوژی تبدیل می‌شود.

بازپروری ارتکاب آن پدید می‌آید، این امر نشانه‌ای از یک وضعیت بیمار در ساختارهای اجتماعی است. در چنین شرایطی، تولید و بازتولید افراد به‌زکار دیگر تصادفی نیست، بلکه حاصل روندی اجتماعی است. در این وضعیت، راهکارهای فردی مانند توصیه‌های اخلاقی یا آموزش‌های اصلاحی نمی‌توانند کارساز باشند، زیرا فرد به محض بازگشت به همان ساختارهای معیوب، دوباره به چرخه جرم کشیده می‌شود. بنابراین تنها اقدامات پیشگیرانه یا تهدیدآمیز برای آسیب‌ها راتوضیح دهند.

از فشار به ایران تا فعال‌سازی اسنپ‌بک

تروئیکای اروپایی
ناکجایش خواهد رفت؟

فرانسه، آلمان و بریتانیا روند موسوم به «مکانیسم ماشه» را علیه ایران فعال کرده‌اند؛ اقدامی که به آغاز شمارش معکوس ۳۰ روزه منجر شده است. فارین پالیسی مدعی شد؛ در صورت پایان این مهلت، تمامی تحریم‌های سازمان ملل که ذیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ لغو شده بود، دوباره برقرار خواهد شد. این بسته تحریمی شامل مسدود شدن دارایی‌های خارجی ایران، ممنوعیت سفر مقام‌های ارشد ایران و همچنین بازگشت محدودیت‌های تسلیحاتی است. علاوه بر این، سه کشور اروپایی اعلام کرده‌اند قصد دارند تحریم‌های هسته‌ای مستقل خود را نیز احیا کنند؛ تحریم‌هایی که محدودیت‌های جدی بر بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران به‌ویژه حوزه‌های مالی و انرژی اعمال خواهد کرد.

◀ **مذاکره یا تنش جدید؟**

تروئیکای اروپایی با این گفته که تلاش دارد باب مذاکره میان ایران و آمریکا را با هدف جلوگیری از جنگی جدید بگشاید، دست به فعال‌سازی مکانیسم ماشه زده است؛ بااین حال، این سازوکار از سوی بسیاری به‌عنوان قماری پرریسک توصیف می‌شود؛ قماری که در نبود پشتوانه دیپلماتیک و حمایت یک روند سیاسی جدی، احتمالاً به جای کاهش تنش‌ها، مسیر را برای از سرگیری مستقیم درگیری‌ها هموار خواهد کرد. در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ، کشورهای اروپایی در برابر فشارهای واشنگتن برای فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» به‌عنوان بخشی از سیاست موسوم به «فشار حداکثری» مقاومت نشان داده بودند؛ اما این بار ایالات متحده از اقدام اخیر تروئیکای اروپایی به‌طور کامل پشتیبانی می‌کند. به‌با تحلیل‌گران، دلیل تغییر موضع اروپا روشن است: سازوکار بازگشت خودکار تحریم‌ها که ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تعریف شده و در برابر حق و متوصون است، در ماه اکتبر منقضی خواهد شد. از دست دادن این ابزار عمل‌آمانک شکل‌دهی به اجماع بین‌المللی برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را از میان می‌برد. پیش از حملات هوایی ماه ژوئن اسرائیل و ایالات متحده علیه اهداف ایرانی، کشورهای اروپایی به‌طور علنی به تهران اعلام کرده بودند که در صورت عدم محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای، تاپایان تابستان مکانیسم ماشه فعال خواهد شد. در همین بازه، تروئیکای اروپایی نشان می‌داد که در تلاش است تایاران و آمریکا را به سمت توافقی تازه سوق دهد؛ توافقی که علاوه بر اعمال محدودیت‌های گسترده‌تر از توافق ۲۰۱۵، امکان دسترسی بیشتر از انس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات ایران را نیز فراهم کند. بااین حال، امیدها به گفت‌وگوهای مباحثی‌گری شده از سوی عمان به سرعت فرو ریخت و مذاکرات به بن‌بستی جدی رسید. علت اصلی این بن‌بست، اصرار دونالد ترامپ بر شرط «غنی‌سازی صفر» اورانیوم در خاک ایران بود؛ شرطی که از منظر تهران غیرقابل قبول محسوب شد و عمل‌آمانک شکل‌گیری هر توافق جدید کردید. بااین حال، پیشنهاد ارائه شده به سرعت با موانع جدی روبرو شد. مهم‌ترین مشکل، شروطی بود که بیش از اندازه غیرعواقب‌بیانه تلقی می‌شد. اروپا از ایران خواسته بود تا بازارسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه بازدید کامل از تمامی سایت‌های هسته‌ای را داشته باشند و همچنین درباره ذخایر انبوه اورانیوم غنی‌شده که که طرف‌های غربی مدعی بودند قابلیت استفاده در تولید سلاح هسته‌ای دارند، توضیحات ناایده گرفته‌شود. هرچند این مطالبات در ظاهر با تعهدات ایران در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) سازگار بود، اما واقعیت سیاسی تازه‌ای که از دل جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بیرون آمد، در این معادله نادیده گرفته‌شد.

◀ **شکاف بزرگ**

هرچند تهران و تل‌آویو با آتش بس موافقت کرده‌اند، اما تردیدهای جدی درباره دوام آن وجود دارد. از دید مقام‌های ایرانی، ارائه جزئیات کلیدی درباره حساس‌ترین بخش‌های برنامه هسته‌ای، به معنای از دست دادن اصلی‌ترین اهرم فشار در مذاکرات احتمالی با آمریکا بود. ایران نمی‌خواست این ابزار را در قالب توافقی موقت با اروپا کنسل بگذارد؛ توافقی که نه امنیت در برابر حملات اسرائیل راتضمین می‌کرد و نه دستاورد اقتصادی قابل توجهی به همراه داشت. علاوه بر این، ایران از سال ۲۰۱۸ تاکنون بخش عمده‌ای از تعبات تحریم‌ها و محدودیت‌های فزاینده آمریکا را پشت سر گذاشته بود و در نتیجه، بازگشت تحریم‌های ناشی از مکانیسم ماشه برای تهران تهدیدی تازه تلقی نمی‌شد. عامل دیگر شکست طرح تمدید مکانیسم ماشه، به بی‌اعتنایی آشکار دونالد ترامپ نسبت به دیپلماسی مربوط می‌شد. او پس از حمله به مراکز هسته‌ای ایران با قاطعیت ادعا کرد که «برنامه هسته‌ای ایران نابود شده است»، در حالی که استیو ویتکاف نیز اهمیت این پرونده را کم‌رنگ جلوه داد. در چنین فضایی، تهران با مشاهده عقب‌نشینی آشکار واشینگتن از مسیر قفت‌وگو، ممکن است مکانیسم ماشه را نه یک تهدید جدی، بلکه فرصتی برای دامن زدن به چرانی تازه قلمداد کند؛ چرانی که می‌تواند آمریکا را وادار به بازگشت به میز مذاکره کند. اگر این مواضع اصلاحی یعنی شروط غیرعقلی اروپا و بی‌میلی دونالد ترامپ به دیپلماسی برطرف نشود و توافقی برای تعدیل در مهلت ۳۰ روزه شکل نگیرد، در مکانیسم ماشه به‌طور کامل فعال خواهد شد. در گام نخست، شورای امنیت با شکاف جدی روبه‌رو می‌شود و مسکو و پکن به احتمال زیاد روند اجرای تحریم‌ها را مختل خواهند کرد.